

عنوان مقاله:

بررسی وجودی-استعلایی نسبت «علیت و آگاهی» از دیدگاه یاسپرس و ملاصدرا

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های عقلی نوین، دوره 5، شماره 9 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

محمدحسین کیانی - دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم

محسن جوادی - عضو هیات علمی دانشگاه قم

مهدی منفرد - استادیار دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

دیدگاه یاسپرس و ملاصدرا درباره نسبت علّیت و آگاهی را می‌توان مبتنی بر رویکرد وجودی - استعلایی حاکم بر فلسفه ایشان به نحو تطبیقی بررسی نمود. هر دو اندیشمند، علّیت را به مثابه قاعده‌ای متعلق به عالم عینی لحاظ کرده و معتقدند علّیت در رابطه با هستی جهان و در مقام تحلیل روابط موجودات، نسبتی عمیق با شناخت برقرار کرده است و براین اساس علّیت را در مقام اثبات، ثبوت و تحقق شناخت مد نظر قرار داده‌اند. اما در عین حال وجوه تمایزی میان دیدگاه ایشان به شرح ذیل وجود دارد: نخست، در مقام اعتبار اصل علّیت در شناخت مطلق هستی و هستی انسان؛ با توجه به اصالت وجود در اندیشه ملاصدرا، علّیت نقشی اساسی در شناخت آدمی برعهده دارد، اما از نگاه یاسپرس، شناخت این مسائل از دایره جهان‌شناسی سنتی و مقولات پدیدارشناسانه خارج است. دوم؛ معنا و حدود آزادی، ناظر به نگرش آن‌ها به اصل علّیت، متمایز است، چنانچه یاسپرس، علّیت و ضرورت علی را به دلیل مخالفت یا ایجاد محدودیت در آزادی انسان، نفی می‌کند، اما ملاصدرا، اختیار آدمی را به علم و آگاهی از مبادی اعمال و رفتارشان نسبت می‌دهد و اعتقاد دارد انسان، مختار است از آن جهت که مجبور است و مجبور است از آن جهت که مختار است. در نهایت به نظر می‌رسد ملاصدرا با توجه به قوس صعود و عین‌الربط دانستن انسان، علّیت را موضعی برای قوام استعلای آدمی می‌داند، حال آنکه یاسپرس، انکار علّیت در حوزه اراده و رفتار انسان را مبنایی برای توجیه استعلا قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی:

واقعیت عینی، شناخت، هستی، ضرورت علی، اراده آزاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1127562>

